

گذری بر پیشینه و مفهوم‌شناسی دموکراسی

تعلیل مهدی ابوطالبی*

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، موجب شکل‌گیری ساختاری از حکومت در ایران شد که بر پایه دین استوار بود و پیش از آن جایگاهی در گفتمان سیاسی نداشت. بشر در گذشته مجموعه‌ای از ایسم‌ها و ایده‌های سیاسی را تجربه کرده بود که بر مادیّت و الحاد استوار بودند و هر کدام چند صباحی ذهنیت انسان‌ها را به خود

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، موجب شکل‌گیری ساختاری از حکومت در ایران شد که بر پایه دین استوار بود و پیش از آن جایگاهی در گفتمان سیاسی نداشت. بشر در گذشته مجموعه‌ای از ایسم‌ها و ایده‌های سیاسی را تجربه کرده بود که بر مادیّت و الحاد استوار بودند و هر کدام چند صباحی ذهنیت انسان‌ها را به خود

مشغول ساخته بود و به موازات آموزه‌های تعالیم پیامبران در گذار تاریخی که بیشتر را به توحید، معنویت و ابدیت فرا می‌خواند، این مکاتب سساختگی مانع نیل وی به واقعیت‌ها می‌شدند و هر گاه با رشد فکر انسانی کاستی یکی از آنها آشکار می‌شد، الگوی فکری دیگری که همچنان ریشه در الحاد و نفاق داشت، جای آن را می‌گرفت. اسطوره پرستی، دهری‌گری، سوفسطایی‌گری، شرک و

تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. به جای این سؤال که «چه کسی باید حکومت کند؟»، سؤال از نحوه حکومت کردن طرح می‌شود.^(۱)

از این رو دموکراسی صرفاً به امر مشارکت و انتخابات، اشاره دارد، نظیر این تعریف که: «دموکراسی عبارت است از طریقه تصمیم مردم که چه کسی باید حکومت کند و هدفش چه باید باشد.» بنا به اعتقاد نظریه‌پردازان

معاصر، دموکراسی در رایج‌ترین معنای خود ناظر به یکی از گونه‌های حکومت است که در آن قدرت در دست یک یاچند کس نیست، بلکه از آن اکثریت است. بدین طریق، می‌توان دموکراسی را از حکومت‌های دیگر بازشناخت. به طور کلی، درباره دموکراسی، به دو دیدگاه می‌توان اشاره کرد.
۱-دموکراسی یک‌نظام حکومتی است که تعاریف فوق ناظر به آن است.
۲-دموکراسی طریحی برای جامعه است که هدف آن کالیپایی فردی و جمعی تمام جامعه‌است.

درباره تعریف یاد شده باید گفت:

۱- رفتار سیاسی سیاستمداران و احزاب در نیم قرن اخیر موجب شکل‌گیری این تلقی گردیده است. لذا مفهوم یاد شده و نظر به‌های مربوط به آن نسبت به عمل سیاسی، «پسینی» است.

۲- از آنجا که شیوه‌ها و مکانیسم‌های اجرایی از تباط تنگاتنگی با شالوده‌های فکری و غایبات سیاسی دارند، باید در اقتباس روش‌ها و انتقال روش از فرهنگ‌به فرهنگ دیگر دقت‌های لازم را مبدول داشت.

۳. دموکراسی به مثابه شکل حکومت

برخی نویسندگان دموکراسی را شکلی از حکومت می‌دانند که به تفکیک از حکومت‌های فردی یا گروهی دلالت دارد ومردم در آن فرمان می‌رانند. در حقیقت

تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. به جای این سؤال که «چه کسی باید حکومت کند؟»، سؤال از نحوه حکومت کردن طرح می‌شود.^(۱)

دموکراسی دارای تعاریف زیادی است و معنایی متفاوتی از آن ارائه شده است و همچون بسیاری از مفاهیم، در علوم اجتماعی، تعریفی جامع و مانع از آن وجود ندارد.
تعاریف دموکراسی را می‌توان در طیف‌های «دموکراسی به مثابه شکل حکومت»، «دموکراسی به مثابه روش» و «دموکراسی به مثابه ارزش و فلسفه زندگی» طبقه‌بندی نمود



صراط

تعارض غرب میان مقام نظر و عمل



عامل سوم ابروز چالش در پایه فکری غرب برای مدیریت دنیا! ابروز تعارض‌های عملی با شعارهای غربی است؛ یعنی اینها در دنیا دم از دموکراسی و دم از حقوق بشر و این حرف‌ها می‌زدند؛ در عمل آنقدر دولت‌های غربی با این شعارها عملاً مخالفت کردند و نقض کردند این شعارها را که امروز طرح این شعارها در دنیا از سوی غربی‌ها به‌صورت یک امر مستهجن درآمده است؛ یعنی افراد صاحب فکر می‌فهمند. تعداد کودکانی که دولت‌های غربی و قدرت‌های غربی علیه دولت‌های مستقل – غالباً دولت‌های ملی – انجام دادند، یک تعداد عجیبی است. طبق بعضی از گزارش‌ها، امریکا پس از جنگ دوم اجهانی ا تا امروز برای سرنگونی پنجاه دولت اقدام کرده‌ا در مورد پنجاه دولت انواع و اقسام اقدام‌ها را کرده؛ ده‌ها جریان مقاومت مردمی مخالفت کرده که اینها در کارنامه‌ی امریکا و دیگران مضبوط است. استفاده از بمب اتم؛ تنها موردی که بمب اتم استفاده شده است ا توسط امریکا است که بیش از همه دم از مردم و دم از حقوق مردم و مانند اینها می‌زند و بیش از دوست هزار نفر کشته شدند در آن حوادث زاین سو تعداد خیلی بیشتری هم دچار

در دموکراسی یونان آنچه بیش از هر چیز خودنمایی می‌کند آن است که سوفسطایی‌گری روح دموکراسی از آغاز تاکنون بوده است در گذشته سقراط، افلاطون و ارسطو از مخالفان سر سخت دموکراسی به‌شمار می‌رفتند. به‌رغم تحول معنایی از گذشته تا حال، دموکراسی از آبشخور فکری واحدی بهره می‌گیرد و «سوفسطایی‌گری» در گذشته و حال مهم‌ترین خاستگاه پیدایی و پویایی دموکراسی به‌شمار می‌رود. مبانی هستنی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناسی سوفسطایی زیربنای دموکراسی در گذشته و حال می‌باشند

بت پرستی، لیبرالیسم و سوسیالیسم، فاشیسم و کمونیسم هر کدام در برهه‌ای از تاریخ اندیشه بشری در این راستا طرح و بسط یافته‌اند و پس از مدتی از مد افتاده‌اند. در این نوشتار بر آنیم تا ضمن ارائه پیشینه‌ای اجمالی از دموکراسی، به طیفی از تعاریف آن پرداخته و در شماره آتی به ارزیابی این اندیشه و روش در نظام سیاسی بپردازیم.

دموکراسی را پذیرفت و آن را مبنای رفتار سیاسی خویش قرار داد که قبلاً اندیشه سوفسطایی را پذیرا شده بود و امروزه در سایه جهانی‌سازی می‌کوشد آن را به فرهنگ جهانی مبدل کند.
استناد به دیدگاه برخی نظریه‌پردازان در تبیین اندیشه سوفسطایی از تباط آن با دموکراسی می‌تواند مؤید ما، در بررسی این انگاره باشد. یکی از نویسندگان معاصر می‌نویسد: «از یک سو با آرای پیچیده‌ای روبه‌رو هستیم که با مسامحه می‌توان گفت مبنای آنها عبارتند از اصالت تجربه و اصالت تحقق، اصالت پدیدار و اصالت فرد و اصالت انسان. ظواهر به طور دائم، لحظه به لحظه و فرد به فرد عوض می‌شوند و واقعیتی جز آنها وجود ندارد. این بیشن در ساحت اخلاقیات سه «خلاق موقعیتی»^(۱) منتهی می‌شود، یعنی بر اصول عملی آنی و فوری تأکید نموده و اعتنایی به اصول کلی و دائمی نمی‌کنند. نمونه‌های این دیدگاه سخنان پروتاگوراس سوفسطایی است که انسان معیار همه چیز است و وجود خدا فرضی است که نمی‌توان آن را اثبات کرد.»^(۲)

نتیجه آنکه وجود حکومت بر پایه دموکراسی، در یونان باستان، دولتی مستعجل بود و دبری ناپدید. پس از گذشت قرون متمادی، به دنبال رنسانس (نوزایی) و نهضت اصلاح دینی در غرب، به تدریج مبادی فکری دموکراسی جدیدی پدیدری شد. از ماکیاولی گرفته تا هابز و لاک و سپس روسو و منتسکیو هر یک در شکل‌گیری ایده دموکراسی تأثیر عمیق داشتند. بدین سان، نظریه دموکراسی در ساحت اندیشه بشری، در قرن بیستم، به نقطه‌ای منتهی شد که قبل از میلاد مسیح از آن آغاز شده بود.

یعنی نگرش جدیدی از دموکراسی مبتنی بر حاکمیت غیرمستقیم مردم و به عبارت دیگر سیستم نمایندگی عرضه و شیوه نمایندگی و رأی اکثریت از مقبولیتی عام برخوردار شد. امروزه، دموکراسی حکومت نمایندگان اکثریت مردم در مقابل حکومت فردی یا اقلیت است. حاصل آن که آنچه در گذار دموکراسی کهن به مدرن تغییر کرده، اصل حاکمیت مردم نیست، بلکه شیوه‌های اجرایی و اعمال آن است.

در شماره آینده به بررسی بنیادهای نظری دموکراسی و ارزیابی آن‌ها خواهیم پرداخت. ان‌شاءالله...

*عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)

پی‌نوشت‌ها:

۱- تیموتی سبیک، اسلام و دموکراسی، شیعاعلی بهرامپور

و حسن مجدثی، تهران، نی، ۱۳۷۹، ص ۲۰

۲- همان، ص ۱۳

۳- همان، ص ۲۵

۴- پس از جنگ نخست خلیج فارس، مؤسسه صلح درباره خاورمیانه که در امریکا فعال است، همایش یک روزه‌ای را تحت عنوان «اسلام و دموکراسی» برگزار کرد. گزارشی از همایش مزبور را تیموتی سبیک در کتاب اسلام و دموکراسی آورده است

۵- کارل پوپر، درس‌های این قرن، ترجمه علی پایا، تهران، طرح نو، ۱۳۶۷، ص ۱۱۹

۶- یوزف شومپتر «ومفهوم از دموکراسی» فلسفه سیاسی، ویراسته آنتونی کوئینتن، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران، انتشارات بین‌المللی الپدی، ۱۳۷۱، ص ۳۰۵

۷- لذا پوپر به جای سؤال مزبور این سؤال را مطرح می‌کند که: آیا اشکالی از حکومت وجود دارند که اخلاقاً مذموم باشند؟ و در مقابل آن، آیا اشکالی از حکومت وجود دارند که به ما اجازه دهند خود را از شر یک حکومت شریر و زینبار رها سازیم؟ پوپر این سؤال‌ها را وجه ممیز دموکراسی اتن و مدرن می‌داند

۸- Situational ethics

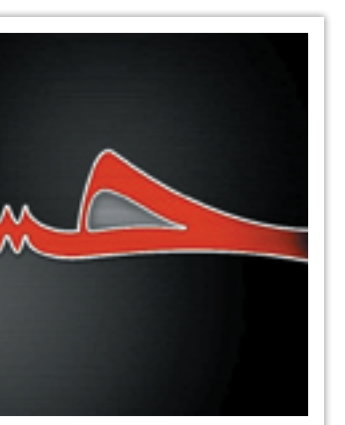
۹- دبلیو. کی. گاتری، سی تاریخ فلسفه یونان، حسن فتحی، تهران، بشر فکر روزه، ج ۱۰، ص ۲۱

عامل سوم ابروز چالش در پایه فکری غرب برای مدیریت دنیا! ابروز تعارض‌های عملی با شعارهای غربی است؛ یعنی اینها در دنیا دم از دموکراسی و دم از حقوق بشر و این حرف‌ها می‌زدند؛ در عمل آنقدر دولت‌های غربی با این شعارها عملاً مخالفت کردند و نقض کردند این شعارها را که امروز طرح این شعارها در دنیا از سوی غربی‌ها به‌صورت یک امر مستهجن درآمده است؛ یعنی افراد صاحب فکر می‌فهمند. تعداد کودکانی که دولت‌های غربی و قدرت‌های غربی علیه دولت‌های مستقل – غالباً دولت‌های ملی – انجام دادند، یک تعداد عجیبی است. طبق بعضی از گزارش‌ها، امریکا پس از جنگ دوم اجهانی ا تا امروز برای سرنگونی پنجاه دولت اقدام کرده‌ا در مورد پنجاه دولت انواع و اقسام اقدام‌ها را کرده؛ ده‌ها جریان مقاومت مردمی مخالفت کرده که اینها در کارنامه‌ی امریکا و دیگران مضبوط است. استفاده از بمب اتم؛ تنها موردی که بمب اتم استفاده شده است ا توسط امریکا است که بیش از همه دم از مردم و دم از حقوق مردم و مانند اینها می‌زند و بیش از دوست هزار نفر کشته شدند در آن حوادث زاین سو تعداد خیلی بیشتری هم دچار

در دموکراسی یونان آنچه بیش از هر چیز خودنمایی می‌کند آن است که سوفسطایی‌گری روح دموکراسی از آغاز تاکنون بوده است در گذشته سقراط، افلاطون و ارسطو از مخالفان سر سخت دموکراسی به‌شمار می‌رفتند. به‌رغم تحول معنایی از گذشته تا حال، دموکراسی از آبشخور فکری واحدی بهره می‌گیرد و «سوفسطایی‌گری» در گذشته و حال مهم‌ترین خاستگاه پیدایی و پویایی دموکراسی به‌شمار می‌رود. مبانی هستنی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناسی سوفسطایی زیربنای دموکراسی در گذشته و حال می‌باشند

بت پرستی، لیبرالیسم و سوسیالیسم، فاشیسم و کمونیسم هر کدام در برهه‌ای از تاریخ اندیشه بشری در این راستا طرح و بسط یافته‌اند و پس از مدتی از مد افتاده‌اند. در این نوشتار بر آنیم تا ضمن ارائه پیشینه‌ای اجمالی از دموکراسی، به طیفی از تعاریف آن پرداخته و در شماره آتی به ارزیابی این اندیشه و روش در نظام سیاسی بپردازیم.

دموکراسی را پذیرفت و آن را مبنای رفتار سیاسی خویش قرار داد که قبلاً اندیشه سوفسطایی را پذیرا شده بود و امروزه در سایه جهانی‌سازی می‌کوشد آن را به فرهنگ جهانی مبدل کند.
استناد به دیدگاه برخی نظریه‌پردازان در تبیین اندیشه سوفسطایی از تباط آن با دموکراسی می‌تواند مؤید ما، در بررسی این انگاره باشد. یکی از نویسندگان معاصر می‌نویسد: «از یک سو با آرای پیچیده‌ای روبه‌رو هستیم که با مسامحه می‌توان گفت مبنای آنها عبارتند از اصالت تجربه و اصالت تحقق، اصالت پدیدار و اصالت فرد و اصالت انسان. ظواهر به طور دائم، لحظه به لحظه و فرد به فرد عوض می‌شوند و واقعیتی جز آنها وجود ندارد. این بیشن در ساحت اخلاقیات سه «خلاق موقعیتی»^(۱) منتهی می‌شود، یعنی بر اصول عملی آنی و فوری تأکید نموده و اعتنایی به اصول کلی و دائمی نمی‌کنند. نمونه‌های این دیدگاه سخنان پروتاگوراس سوفسطایی است که انسان معیار همه چیز است و وجود خدا فرضی است که نمی‌توان آن را اثبات کرد.»^(۲)



فلسفه تجدید عزاداری امام حسین (ع)

یکی از سولات مهم در باب عزاداری امام حسین (ع) این است که فلسفه تجدید هر ساله عزاداری امام حسین (ع) چیست؟ در ادامه به امید آنکه فلسفه عزای حسینی را بیشتر درک کنیم و از برکات آن بهره‌مند شویم، بخش‌هایی از کتاب «حماسه حسینی» در پاسخ به این سؤال انتخاب و آورده شده است.

عزاداری معمول در اسلام

اسلام می‌گوید در عزاداری برای افراد عادی، عزا سه روز است؛ یعنی اگر کسی پدر یا برادرش بمیرد، سه روز به عنوان یک فرد عزادار در خانه می‌نشینند و بعد از سه روز باید غائله را خاتمه بدهد. تنها موضوعی که گفته‌اند برای همیشه باید آن را احیا کنید و برایش بگریید و آن را زنده نگه دارید و نگذارید فراموش بشود، مسئله عزاداری حسین بن علی (ع) است، چرا؟ آیا حسین بن علی او گریه کنیم؟ آیا دل امام یا دل بنشینیم برای او گریه کنیم؟ یا دل امام یا دل حضرت فاطمه زهرا (س) یا حضرت امیر (ع) عقده‌هایی دارد که باید خالی شود؟ اصلاً آنها عقده دل دارند که بخواهند خالی کنند؟

روایتی از امام صادق (ع)

امام صادق(ع) فرمود: سوره والفجر را بخوانید که سوره جدا ما حسین بن علی(ع) است. پرسیدند: آقا به چه مناسبت؟ امام فرمودند: آیات آخر سوره والفجر: یا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُهْتَمَّةُ، اِجْعَلِي لِی رِزْقًا رَاضِیةً مُرْضِیةً، فَادْخُلِی فِی عِبَادِی وَ اِذْخُلِی جَنَّتِی، ای صاحب نفس آرام! به سوی پروردگارت بازگرد، تو از پروردگارت خدوشدی. تو آگاهانه کار خسودت را انجام دادی. از کار خودت هم خوشحالی. خدا از تو راضی است. حالا برو در زمره بندگان خاص من، در زمره بندگان ما باش. حسین(ع) حسین(ع) رفت نزد پدر و برادر و مادر و جد بزرگوارش، آنها در یک سعادت

این است که ما گفتند نگذارید این حادثه فراموش بشود. سال به سال این خاطره را تجدید کنید. وقتی که این خاطره را تجدید می‌کنید متن وقایع را برای یکدیگر بازگو می‌کنید. وقتی متن وقایع را بازگو می‌کنید می‌بینید چگونه است که حسین برای عدل اسلامی قیام کرد و در مقابل ظلم استبدادی کسر ده صحنه‌ای و حماسه‌ای می‌بینید که نظیرش در همه دنیا و برهز وجود ندارد.

این هم خودش تعظیم شعائر است. ذلک و مَنْ یُعَظِّمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَآتَاهَا مِنَ تَقْوَى الْقُلُوبِ یعنی هر کسی که شعارهای الهی را زنده کند و بزرگ بشمارد این نشانه آن است که قلبی پاک و متقی و پرهیز کار دارد.

محبت نسبت به امام حسین(ع)

امام حسین (ع) در دل هر مسلمان حقیقت‌خواه و عدالت‌خواهی جا دارد. انْ لِلْحَسَنِینِ مَحَبَّةٌ مَكْتُوبَةٌ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ همانا حسین بن علی (ع) یک محبت مرموز و پنهانی در دل هر مؤمنی دارد، چرا؟ خیلی واضح است، چون هر مؤمنی در دلش یک علاقه‌ای به اسلام دارد؛ چون به اسلام علاقه دارد حسین (ع) را که در راه جانپایز اسلام می‌بیند که جان و مال و فرزندان و همه چیزش را در راه اسلام فدا کرد از اسلام جدا نمی‌بیند و اسلام را از حسین (ع) جدا نمی‌بیند. به آن مقدار که خودش را وابسته به اسلام می‌بیند وابسته به حسین بن علی (ع) می‌بیند. نه تنها ابا عبدالله، همه کسانی که در راه خدا و در رکاب ابا عبدالله علیه السلام شهید شدند همین طور هستند.

تنظیم‌کننده: جواد اسکندری